



نگارش و ترجمه محمدرضا فیض مهدوی

وکیل دادگستری

دگرگونی نوین در اصلاح زندانیان

با وجودیکه هیچگاه داعیه معرفت مبسوط درباره زندان را ندارم. و هرگز خود را شایسته همسنگی با بزه‌شناسان نام‌آور نمیدانم ولی براین نکته مسلماً تکیه میکنم که علم و معرفت و آزمایش و بینش انسانی نباید هیچگاه در یک نکته متوقف و بیحرکت بماند و با تحجر فکر و اندیشه تمام رویدادهای اجتماعی و علمی انسانها را با یک تعبیر بپذیرد. و در را بروی تحول و تکامل ببیند. در دنیائی که در یک چشم بهم‌زدن هزاران اختراعات شگرف و باورنکردنی از محفظه کوچک دماغ انسانی تراوش میکنند و مانند سیل در سطح زندگی علمی و عملی اجتماعات جاری میشود شایسته نیست درهای فکر و اندیشه خود را بسته و در کنج تاریکی قرون و اعصار گذشته در مقام تفسیر اندیشه‌های تکامل یافته انسانی برآئیم. زیرا جنبش و پیشرفت علمی و مغزی انسانها تا ما بخود آئیم فرسنگها از ما فاصله گرفته و بجائی رسیده که حتی دست تخیل ما بدامن آن نخواهد رسید. امید صادقانه از اندیشمندان و متفکران آنست که در راه پیشرفت مقاصد علمی از قشر رنگ باخته مدرس پوسیده کلاسیک اندیشه خود را رها ساخته و فکر خویش را در راهی که بتواند با تحول بلوئی دنیای امروز سازش داشته و هم‌نوا باشد همگام سازند بدبختانه در شرائطی که عده‌ای بعنوان پیش‌کسوتان علمی قرار گرفته‌اند: دست قدرتشان شکسته و پای ارادتشان بسته و بدیهی است تا از این پوسته تخیلات و توهمات که از ویژگیهای دنیای قرون وسطی است بیرون نیایند نمیتوانند منشأ تحولات بنیادی در شئون اجتماعی کشور بشوند. این نهایت بی‌همتی و شکسته‌بالی روح است اگر در روزگاری چون زمان ما که همه وسائل و موجبات برای پیشرفتهای چشم‌گیر علمی و عملی فراهم است. عده‌ای از زمامداران علمی و فکری ما تنها بسائقه دلبستگی بموازین کهن و از مد افتاده گذشته سمبول‌هایی برای خود بتراشند

و بکارهایی خود را مشغول دارند که چرخ تکامل علمی و معنوی مردم را از کار باز داشته و براهی روند که نه خیردنیائی دارد و نه ثواب آخرت. اینهمه آثار علمی و ادبی و عملی که تاریخ ملت ما را مشحون از برتریهای فکری کرده حاصل جرأت و جسارت پیشتازان فکری زمان بوده که اندیشه خود را در مسیر تحول و تکامل گذارده و جامعه خود را بسوی برتری سوق داده‌اند. و اگر آنها نیز مانند پیشوایان فکری امروزه ما در محدوده معینی خود را زندانی و در را بروی پذیرش هرگونه اندیشه و فکر تازه‌ای می‌بستند مسلماً ما امروز از نعمت وجود سعدی‌ها، مولوی‌ها، زکریاها، ابن‌سیناها و هزاران رجل علمی دیگر محروم بودیم تاریخ هم باسانی نام ملت ما را در بوته اجمال و فراموشی می‌گذاشت. اصولاً چه در کشورهای که قوانین مدون دارند و چه در کشورهای که از رویه‌های عرفی پیروی میکنند در آغاز پیدایش قوانین و ریشه‌های عرفیات چون نیاز مردم آنرا بقالب عمل ریخته قاعدتاً با خواسته‌های آنها منطبق و هم‌نوا است و بدینمناسبت برای همه مردم ارجمند و لازم‌الاتباع است. ولی همین قوانین صحیح و سالم و طبیعی پس از مدتی در اثر تحول زمان و تغییر مناسبات مردم با خودی و بیگانه دستخوش گونه‌گونی میگردد. در این نقطه قوانین متأسفانه از مدار عادی خارج میشود و در اینجاست که اندیشمندان حقوقی باید این جبر زمانی را درک کنند و خود بدون اغراض و سرپیچی مردم و عدم رغبت آنها بپیروی از آن در فکر تغییر قوانین باشند ولی بدبختانه اینهم باسانی میسور نیست زیرا عده‌ای از این زمامداران فکری که شایستگی تحقق بخشیدن باین تحول و تغییر قانون را دارند بهرعلت که میخواهد باشد از جمله غفلت و جهل بموضوع و یا بی‌بندوباری و یا بعلت اغراض و منافع شخصی که آنرا با سود جمعی منطبق نمیدانند اینجهت را مهمل گذاشته و کوشش میکنند که قوانین و عرفیاتی که چرخ گذشت زمان مدت‌ها است از کار انداخته با وجود عدم کارآئی بزور و یا بالطائف‌الحیل بخورد مردم بدهند. و این جماعت محافظه‌کار بدون آنکه عواقب و نتایج هولناک قوانین و یا عرفیات غیرمنطبق را در نظر گیرند با سوءاستفاده از نفوذ و نیروی خود تا آن حد پیش میروند که نتایج هولناک نارضایتی مردم ظاهر شود و چون دیگر قوانین مرده زنگ زده با نیازمندیهای روز منطبق نیست قدرت اجرائی را نیز از دست داده و دیگر حکومت واقعی خود را بر مردم از دست میدهد: زیرا آنرا از خود نمیدانند و بدان تمکین نمیکنند چون آنرا از خویش و برای خویش نمیدانند.

از مطلب پر دور نرویم این بنده در عین آنکه بکوتاهی دانش خود دربارہ مسائل مربوط بزندادان معترفم ولی موضوع را تا اینجا میدانم که در زمان ما رویه سیستم‌های کیفری براین بوده که جنبه تنبیهی زندانها را نادیده گرفته و جهت اصلاحی بزهکاران را مورد توجه بلامنازع خود قرار داده‌اند ولی از آنجا که هیچ انگیزه و اندیشه انسانی در يك نقطه نمیتواند متوقف باشد بزه‌شناسان با گذشت مدت‌ها و غیرمحسوس بودن نتیجه این برنامه در فکر چاره‌اندیشی باین نقطه

رسیده‌اند که نباید با نارسائیهای این برنامه ساخت و در مقام چاره‌جوئی برنیامد. شاید بيمناسبت نیست که در این رهرو بقلسفه وجودی زندان و سیر تکامل تدریجی آن هم اشاره‌ای بشود. ولی توجه باصل مطلب فعلا ما را بی‌نیاز از جهات مزبور میکند. انشاءالله اگر فرصتی دست داد شاید بتوان در آنگونه‌امور نیز مطلبی گفته شود فعلا بحث در آنستکه آیا با وجود شکست فاجعه‌آمیزی که برنامه اصلاح زندانیان بزهکار و اعاده آنها بوضع عادی برای زندگی اجتماعی با آن مواجه شده باید بیش از این پی‌آمدهای آن را تحمل کرد و بصرف اینکه عده‌ای در عالم خیال یکنوع تئوری غیرعملی را در گذشته برزندگی بزهکاران پیاده کرده‌اند دست روی دست گذاشت و هرروز شاهد خیلها وسیلها مردم تربیت‌یافته در این مکاتب و آموزشگاههای عملی بزهکاری یعنی زندانها بود؟ یا اینکه در فکر و اندیشه بیداری از این خواب هولناک بود؟ برای ما بخوبی محسوس است که هر ساده‌لوح و نینک-اندیشی اگر بجرم کوچک و خطای خردی پای بزندان نهد پس از مدتی يك بزهکار کامل‌العیار از محدوده زندان بیرون می‌آید که بهیچیک از معیارهای انسانی پای‌بند نیست و از عهده انجام هرگونه عمل شیطانی و خلاف اصولی برمی‌آید. یعنی در این آموزشگاه عالی چیزی برای او ناخوانده باقی نخواهد ماند این اندیشه پیوسته در نظر بود تا در تابستان امسال فرصتی بدست آمد درباره زندانهای کشور امریکا پژوهشی بشود اینک پاره‌ای از این ره‌آورد مطالعاتی:

دگرگونی بزرگ دربارهٔ برخورد با زندانیان

تنبیه برای اصلاح زندانی

پس از سالیان دراز کوشش متخصصین علوم کیفری باین نتیجه رسیده‌اند که برنامه‌های اصلاحی زندانیان واقعاً بنتیجه‌ای که انتظار میرفت نرسیده است. بنابراین روی خود را بسوی راه‌حل دیگری برای اینمسئله کهن برگردانیده‌اند یعنی گرایش بسوی چشم‌ترساندن زندانیان و استفاده از اینجهت برای اصلاح آنها و بهمین منظور انقلابی در درون زندانها در حال تکوین است. غرض این نیست که باید در انتظار يك بلوای عام و واژگونی شتابزده زندانیان بود. بلکه غرض دگرگونی ژرفی است که تدریجاً در طریق برخورد با زندانیان و راهمائی که باید در قبال آنها در پیش گرفت میباشد.

این واژگونی بیشتر ارتباط با طرز برداشت از وظیفه اساسی زندان در برابر زندانیان دارد. زیرا مهمترین وظیفه زندان بحال عادی برگردانیدن و اصلاح مجرم است.

بررسی‌های تازه تأثیر برنامه‌های اصلاحی و اعاده دادن وضع عادی را بزندانیان مورد شك قرار داده و ناتوانی این رویه را در انجام مقصود اعلام داشته.. و ثابت

کرده اکثریت زندانیان هنگامیکه از زندان آزاد میشوند بهمان اندازه‌ای که وقت رفتن بزندان آمادگی ارتکاب جنایات را داشته‌اند پذیرای تکرار بزهکاری بوده و شاید هم شوق بیشتری برای انجام ردائل دارند و بنابراین ویژگی است که آمار جنایات روز بروز بالا میگیرد.

اغلب کارشناسان زندان با مردمی که از افزایش جنایات بجان آمده‌اند همصدا شده و «رویه اصلاح مجرمین» را در برخورد بموضوع ورشکسته اعلام داشته‌اند. زیرا ناتوانی آن را در اصلاح بزهکاران ثابت دانسته‌اند بنابراین زندان تدریجاً بعنوان وظیفه اساسی روی خود را از جانب برنامه فعلی اصلاح زندانیان بسوی گوشمال و تنبیه آنها بمنظور اصلاح برمیگرداند.

آخرین نمودار تغییر این طرز تفکر در دهم اوت سال ۱۹۷۵ هویدا شد. پس از انجام یک برنامه سه سال و نیمه گزارش رسمی حکایت از بی‌اعتباری رویه سابق دارد. برنامه چند میلیون دلاری نیویورک که در راه اصلاح بزهکاران کوشش میکرد بالاخره با ناتوانی در انجام مقصود عنان بسوای اجراء احکام دقیق و شدید برگردانید. دست اندرکاران این برنامه گرانقیمت در گزارش خود خاطر نشان کردند که اینگونه کوششها بجای کاهش جنایات مایه را غلیظتر و مسئله را پیچیده‌تر میکند.

در ماه فوریه ۱۹۷۵ اعلام شده که سیستم کیفری کشورهای متحده امریکادیگر کوشش برای اصلاح مجرمین را بعنوان نصب‌العین اولیه خود نمیشناسد. آقای نورمن کارلسن^۱ رئیس اداره زندانهای ممالک متحده امریکا در این باره چنین میگوید: «بدبختانه ما تابحال باندازه کافی درباره حقیقت علل و یا راههای بهبود بزهکاران چیزی نمیدانیم. برای زمان درازی خود را بسنگلاخ تجاها انداخته و گفتیم ما در این امر بحد کافی بصیرت داریم. اما من فکر میکنم «یک حس واقع‌بینی تازه‌ای» در روزگار ما تمام انگارهای آنچنانی را بطور بنیانی از صفحه سیستم عدالت کیفری ما میزداید.»

این «حس واقع‌بینی تازه» چیزی جز این نیست که باید درباره زندانی کردن بزهکاران تأکید و سخت‌گیری بیشتری بشود. حتی اگر زندانی کردن مجرمین مانع از تکرار جرم نشود عقیده براینستکه با خارج کردن بزهکار از گردونه اجتماع و از کوچه و بازار اقلا دست بزهکار از یقه مردم عادی کوتاه میشود.

دیگر گونی‌های احکام

بدیهی است با این تحول تغییرات چشمگیری همراه خواهد بود. در بین سایر لوازم بینش جدید تغییرات ژرفی است که در مبادی داد نامه‌های کیفری باید داده شود. بطوریکه کارامدان و متخصصین موضوع پیش‌بینی میکنند در احکام کیفری

1) Norman Carlson

آینده بیشتر بجنبه‌های تنبیهی و قطعیت و سرعت و صراحت درباره مدت زندان تکیه میشود هیئت‌های عفو و بخشودگی قدرت کمتری برای اخذ تصمیم درباره آزادی زندانیان خواهند داشت. در پاره‌ای موارد عفو و بخشودگی بکلی حذف خواهد شد. امکان وجود دوران آزمایش در برابر رفتن بزندانبعداقل کاهش خواهد یافت: نسبت بگونه‌های ویژه‌ای از بزهاران بخصوص جنایتکاران حرفه‌ای و بزهارانی که با تهدید و اعمال زور بری انجام مقاصد اقدام میکنند در احکام سخت‌گیری بیشتری ملحوظ خواهد شد. بنابراین آنچه گذشت چنین پیش‌بینی میشود که بزهاران با دقت و شدت بیشتری راهی زندان خواهد شد و در نتیجه زندانهای بیشتری باید آماده شود. زیرا تاکنون از هرگونه امکانات و تسهیلاتی درباره اصلاح زندانیان استفاده شده و بجائی نرسیده و چون ارزش ساختمان در حد اعلاى قوس صعودی است در کشورهای متحده هزینه‌های ساختمانی برای هر نفر زندانی چهل هزار دلار میشود.

زندانهای آتیه محتملاً برخلاف آنچه هست در واحدهای کوچکتری و نزدیک بشهرها بنا خواهد شد.

برگشت داوطلبانه بحالت عادی

این پیش‌بینی‌ها کلاً باینمعنی نیست که در برنامه‌های اصلاح و بهبود نوین معنویات و شخصیات زندانی در بست در دست فراموش سپرده خواهد شد. مستر کارلسن پیش گفته معتقد است برنامه‌های مزبور تنها براساس داوطلبی و اختیاری پیاده خواهد شد.

در گذشته سیستم‌های کیفی برای زندانی در این باره آزادی انتخاب قائل نبودند. آنها ناگزیر از پیروی برنامه‌هایی مانند تربیت، و تعلیم صنفی و پذیرش آموزش‌های روانشناسی بودند. بعبارت دیگر زندانی مانند «مریض» و وظیفه زندان کشاندن او بسوی بهبود بود. با پیشقدم شدن دولت مرکزی امریکا در یأس از نیروی برنامه‌های اصلاحی زندان عده زیادی از ایالات امریکا در این راه گام پیش نهاده‌اند. شاید بزودی بعضی از ایالات از اینهم فراتر روند برحسب نقشه‌ای که در ایالت ایلینویز^۲ در کار تکوین است نه تنها برگشت بحال عادی برای زندانی داوطلبانه است بلکه پیشرفت در این راه تأثیری در تاریخ آزادی او نخواهد داشت. اگر او واقعاً متوجه برتری و مزیت این برنامه‌ها شد باین علت است که او حقیقتاً میخواهد در راه پیشرفت خود را یاری کند. اداره عفو و بخشودگی معمولاً بهنگامی در را بر زندانی میگشاید که محبوس را اصلاح شده بدانند. در این صورت زندانیان

(۲) معادل ۲,۷۴۰,۰۰۰ ریال.

نیز معنی این طرز تلقی را با هوشیاری تمام درخواست خواهند یافت و مزورانه «ژست و عمل» اصلاحی خود را بطور یکپارچه برخ متصدیان نمیکشند. بزه‌شناس معروف هانس ماتیک^۴ که قبلاً در کشورهای متحده سرپرست زندانها بوده درباره برنامه‌های اصلاحی فعلی میگوید: «با این برنامه زندان تبدیل بیک آموزشگاه دراماتیک شده است.» اندیشه محو آثار برنامه اصلاحی از کارنامه زندانی دو نتیجه بلافصل دارد اول: اعترافات صادقانه باین امر که زندان پس از این جایگاه کمک به آموزش بزهکاران و بزهکاری نیست. نورمن موریس^۵ که یکی از جرم‌شناسان معروف و در حال حاضر ناظم دانشکده حقوق دانشگاه شیکاگو است در این باره میگوید: «زندان باید جایی باشد که بزهکار را از دیگران بقصد مجازات جدا میکند.»

دوم: لازمه این طرز عمل تجدیدنظر در احکام بزهکارانی است که از آنها بخوبی دفاع شده. و دادگاهها درباره آنها حکم مشروط صادر کرده‌اند. در اغلب ایالات کشور امریکا در حال حاضر نوعی «احکام غیرقطعی و مشروط درباره بزهکاران صادر میکنند که در آن مجازات اقل و اکثر قید میشود مثلاً از ده سال تا بیست سال. و روز خلاصی او بستگی باین دارد که کی درباره اصلاح او اظهار نظر میشود.

هیچ یا چماق

چنین شهرت دارد که زندان از احکام غیرقطعی پیوسته برای ردیف کردن زندانیان مثل یک چماق استفاده میکند. در کفه دیگر احکام دادنامه‌های قطعی قرار دارد. دیوید فوگل^۶ رئیس کمیته اجرائی قانون ایلی‌نویز برنامه‌ای دارد که درباره صدور احکام روش قطعی درباره بزهکاران معین تأکید شده است. مثلاً مستر فوگل میگوید قاتل باید اقل بیست و پنج سال زندان محکوم شود. در جرائم ناموسی و در مواردی که قرائن مخففه وجود دارد طرح فوق‌اندکی نرمش نشان میدهد اما این نرمش بمرطریق از حد بیست درصد نباید بگذرد. در این طرح عفو و بخشودگی اساساً راه ندارد اما برای هر روز که زندانی خوب رفتار کرد و اعمال خلافی مرتکب نشد یک روز از مدت محکومیت او کاسته میشود. و این وجهه طرح ناظر بآنستکه یأس متهم را از غیرقابل انعطاف بودن احکام که همه را برای نوع معین اتهام بیک چوب میراند کاهش دهد. ناامیدی و غیرطبیعی بودن احکام مهمترین موجب تنفر زندانی است.

ایالت مین^۷ اخیراً برویه احکام صریح و قطعی صحه گذاشت و کالیفرنیا^۸

- 4) Hans Mattick
- 5) Norman Morris
- 6) David Fogel
- 7) Maine
- 8) California

کماکان درهای خود را بآن بسته است. ولی ۲۶ ایالت با مستر فوگل تماس گرفته و علاقه خود را برای مطالعه طرح مزبور ابراز داشته‌اند.

متخصصین زندان بر این عقیده‌اند که چون رویه احکام قطعی و عفو بخشودگی آن هردو در جهت فراهم داشتن تسهیل برای اصلاح زندانیان است در تغییر وضع زندان هم‌نوائی دارد. همانطور که تدریجاً ایالات کشور امریکا در راه تغییر سیستم احکام کیفری خود پیش میروند ادارات عفو و بخشودگی بهمان اندازه قدرت خود را از دست داده و یا از بین می‌رود.

يك طرح عاطفی تر

داستان کیفیت برخورد با مجرمین از نظر زندان قصه‌ای دراز است که سابقه دوپست ساله دارد. دو سده پیش بود که فرقه مذهبی کواکرز^۹ تشکیل زندان «روحانی توبه‌کاران» را پیشنهاد کرد. این طرز بینش در آنزمان تازگی داشت. پیشنهاد آنها در برابر کیفرهایی که معمولاً برای متخلفین از قانون در آنزمان اجرا میشد از قبیل قطع عضو، سر بریدن، تبعید بردگی با کار یا انداختن در سیاه‌چال شق عطوفت‌آمیز و انسانی‌تری بود.

در زندان روحانی توبه‌کاران مجرم از سایر افراد اجتماع جدا میشد تا درباره جرم مرتکبه بتأمل پردازد و بالاخره از راه تفکر و اندیشه وضع عادی خود را بازیابد. معلوم است که ندرتاً این منظور برآورده میشد. سیستم «ندامت و اصلاحی» از نظریه کشیشان پیش‌گفته بوجود آمد. این نظریه گرچه شهرت اولیه افتاده ولی هنوز هم پیروانی دارد که معتقدند طبع انسانی در این محبس‌ها قابلیت اصلاح روحانی را دارد. در سالهای اخیر اعتماد باین اصل حتی در بین فرقه کواکرز هم تحولاتی یافته. در سال ۱۹۷۱ کمیته دوستان مددکار امریکا که جناح فعال این گروه را تشکیل میدهد کتابی منتشر کرد و نتیجتاً اعلام شد «انتظاری که از این سیستم زندان روحانی میرفت برآورده نشده و این «رفورم اصلاحی محکوم‌بورشکستگی است». بحث فوق مقدمه تغییر ژرف نظریه اصلاح زندانی بود. و این دگرگونی را فرقه‌ای مذهبی که بیشتر با اسم احباب معروفند پایه‌گذاری نموده و جرح فاکس^{۱۰} آنرا در سال ۱۶۵۰ تشکیل داد. پیش‌آمدهای دیگری نیز این اندیشه را تسریع کرد. سال ۱۹۷۴ در کشورهای متحده امریکا آمار ۱۷ درصد افزایش فساد زندانیان اصلاح شده را نسبت بسال پیش نشان داد. و این بزرگترین افزایش کمی در ۱۴ سال اخیر بود. ویلیام ساکس‌بی^{۱۱} که در آن سال دادستان بود این سیر صعودی را دلیل روشنی بر افسانه بودن نظریه اصلاحی زندان دانست زیرا تعداد قابل ملاحظه‌ای

9) Quakers

10) George Fox

11) William Saxbe

از این جنایات بوسیله کسانی انجام یافته بود که از شرایط زندان برای این منظور بکرات و بخوبی پیروی کرده بودند. پس از آن در بهار سال گذشته حمله و انتقاد جدی بنظریه اصلاح زندانی از نظر ارزش آغاز شد. رپرت مارتینسون^{۱۲} یکی از اجتماع‌شناسان سیتی^{۱۳} کالج نیویورک با مذاقه در ۲۳۱ طرح اصلاحی که از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۷ در دست اجراء بود این صدا را بلند کرد. و از مطالعات خود چنین نتیجه گرفت که: «با چند استثناء نادر کوشش‌های تکراری که تا بحال در راه اصلاح زندانیان گزارش شده نتیجه قابل ملاحظه‌ای نداشته است.»

بعبارت دیگر او باین نتیجه رسیده که چنان برنامه‌هایی بهیچوجه عامل بازدارنده زندانیان از برگشت بسوی جنایت نبوده است.

بقیه دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

12) Robert Martinson
13) City College of New York